

## خوش بود گر محک تجربه آید به میان تا سیه روی شود هر که در او غش باشد

### (پاسخی به رفرمیست های درون کمیته هماهنگی)

محسن حکیمی

هشتم اسفند ماه هشتاد و شش

به این تناقض عریان و زمخت دقت کنید و خود حدیث مفصل بخوانید از این مجمل:

۱- در روز روشن عده ای فرقه گرای توطئه گر شعار ضد سرمایه داری مصوب هیئت اجرایی کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری، یعنی "کارگران علیه سرمایه متشکل شویم!!"، را به شعار رفرمیستی "پیش به سوی ایجاد تشکلات مستقل کارگری" بدل می کنند ( رجوع کنید به جزوه ای با عنوان "فرازهایی از زندگی یک فعال کارگری" با امضای کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه غرب) به تاریخ آبان ۱۳۸۶).

۲- همین افراد یا مشابه آن ها آشکارا نام "کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری" را به "کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل مستقل کارگری" تبدیل می کنند ( رجوع کنید به اعلامیه "شورای همکاری تشکل ها و فعالین کارگری" با عنوان "محمود صالحی در آستانه مرگ قرار دارد!!!" به تاریخ ۸۶/۹/۳۰ ، مندرج در سایت همین "شورا").

۳- یکی از همین افراد در پوشش "نقد نظرات من، برای من پرونده سازی می کند و به پلیس سیاسی خط می دهد (رجوع کنید به نوشته ای با عنوان "در آستانه رای گیری بر سر اساسنامه در کمیته هماهنگی" با امضای بهزاد سهرابی، بدون تاریخ، مندرج در چندین سایت اینترنتی).

۴- بر خلاف تصمیم هیئت اجرایی کمیته هماهنگی مبنی بر عدم درج نوشته های فعالان خارج کشور در سایت کمیته (تصمیمی که البته من خود با آن مخالف بودم) نوشته یکی از این فعالان به نام بهرام رحمانی در حمایت از رفرمیست های درون کمیته در سایت درج می شود (رجوع کنید به نوشته "کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری را تقویت کنیم" به تاریخ ۱۵ / ۱۰ / ۸۶، مندرج در سایت های اینترنتی).

۵- واز همه این ها مهم تر، مدت های مدید است که سایت کمیته هماهنگی که باید مبلغ و مروج رویکرد و هدف مصوب کمیته باشد در محاق رفرمیسم فرورفته و جزاطلاعیه های "محکوم می کنیم" (آن هم به شدت!) و نوشته هایی دیگری در باب بحران کمیته که نه تنها یارشاطر کارگران نیستند بلکه دقیقا به بار خاطر آنان بدل شده اند، هیچ نام و نشانی از رویکرد جنبشی و هدف تدارک زمینه ها و پیش شرط های تشکل ضد سرمایه داری و سراسری طبقه کارگر- مصوب کمیته هماهنگی- در آن دیده نمی شود.

در تمام این موارد کوچک ترین صدایی در محکومیت این اعمال یا چاره جویی برای رفع آن ها از سوی هیئت اجرایی کمیته هماهنگی شنیده نشد، اما همین که فعالان ضد سرمایه داری کمیته در جایگاه هیئت اجرایی کمیته تهران از حق مسلم و طبیعی و اساسنامه ای خود برای ایجاد سایت مستقل جهت بیرون کشیدن رویکرد جنبشی و هدف ضد سرمایه

داری کمیته از زیر آوار رفرمیسم استفاده کرده اند تا این رویکرد و هدف را به گوش و چشم کارگران برسانند، صدای اکثریت اعضای هیئت اجرایی کمیته در محکومیت این اقدام ضدسرمایه داری در آمده که چه نشسته آید که تعدادی از اعضای کمیته هماهنگی مرتکب "عمل زشت"ی شده اند که "دمکراسی کارگری را خدشه دار می کند"! چه نشسته آید که حرکت این "دوستان" (!) "غیردمکراتیک" است و "دشمنان طبقه کارگر را شاد می کند"! چه نشسته آید که این اقدام، "تشتت برانگیز" و "انحلال طلبانه" است! (رجوع کنید به نوشته ای با عنوان "حرکت اخیر تعدادی از اعضای کمیته هماهنگی را محکوم می کنیم !!!" با امضای "کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری" و نام هشت نفر از اعضای هیئت اجرایی و یک بازرس، به تاریخ ۱۳۸۶/۱۲/۷، مندرج در سایت های اینترنتی).

می پرسم و تمام کسانی که نامشان در پای این "محکومیت نامه" کذایی آمده باید جواب دهند که:

۱- آیا تبدیل شعار "کارگران علیه سرمایه متشکل شویم!" به شعار "پیش به سوی ایجاد تشکلات مستقل کارگری" غیردمکراتیک نبود؟ (همین جا بگویم که به رغم درج شعار اخیر در پشت جلد جزوه فوق الذکر و اعتراض بحق فعالان ضدسرمایه داری کمیته تهران به این امر، این فعالان نقش بسیار فعالی - حتی فعال تر از خود مدافعان این شعار در تهران - در توزیع این جزوه داشتند، آن هم به این دلیل که درباره محمود صالحی بود و فعالان ضدسرمایه داری کمیته تهران می خواستند او را بیشتر به کارگران تهران بشناسانند).

۲- آیا تغییر نام کمیته هماهنگی، دمکراسی کارگری را خدشه دار نکرد؟

۳- آیا پرونده سازی برای یک عضو هیئت اجرایی کمیته هماهنگی زشت و تشتت برانگیز نبود؟

۴- آیا نقض مصوبه هیئت اجرایی مبنی بر عدم درج نوشته های فعالان خارج کشور در سایت و درج نوشته یکی از این فعالان (که تنها با اعتراض من از روی سایت برداشته شد) غیردمکراتیک نبود؟

۵- آیا تهی شدن سایت از حال و هوای ضدسرمایه داری معطوف به رویکرد و هدف مصوب کمیته، که یک روند آشکارا ضدتشکیلاتی و ضداساسنامه ای بوده و بدون شک با سکوت توأم با رضایت اکثریت هیئت اجرایی انجام شده، انحلال طلبانه نبوده است؟

اگر پاسخ تمام این پرسش ها مثبت است - که از نظر هر انسان منصف و باوجدانی چنین است - پس چرا اکثریت هیئت اجرایی در مورد هیچ کدام از آنها واکنش نشان نداده یا آنها را محکوم نکرده است؟ علت این یک بام و دو هوای آشکار چیست؟ اگر دغدغه اکثریت هیئت اجرایی واقعا "دموکراسی کارگری" است پس چرا این موارد آشکارا ضد دمکراتیک را محکوم نکرده است؟ این پرسش، به نظر من، فقط یک پاسخ دارد و آن جانبداری این اکثریت از گرایش رفرمیستی درون کمیته هماهنگی است. بر آشفتگی و عصبانیت نویسنده یا نویسندگان این "محکومیت نامه" نه به دلیل نقض دمکراسی کارگری بلکه از آن رو است که فعالان ضدسرمایه داری کمیته این اجازه و جسارت را به خود داده اند که مستقل از رفرمیست های درون کمیته و اعوان و انصار رنگارنگ آنها در بیرون پرچم ضدسرمایه داری کمیته هماهنگی را همچنان در اهتزاز نگه دارند. بهترین گواه این نکته که نویسنده یا نویسندگان این متن نه تنها دغدغه دمکراسی کارگری را ندارند بلکه اساسا درکی عقب افتاده و بورژوازی از این دمکراسی دارند، "ارتجاعی" نامیدن دفاع از حقوق اقلیت در مقابل لگدمال کردن این حقوق از سوی اکثریت است. من در نوشته اخیر خود بحثی استدلالی در این مورد ارائه داده ام که رد آن به استدلال نیاز دارد و برچسب "ارتجاعی" زدن به آن هیچ مشکلی را حل نمی کند و فقط صورت

مسئله را پاک می کند.

ادعا شده که راه اندازی سایت کمیته هماهنگی (منطقه تهران) برخلاف مصوبه هیئت اجرایی کمیته است. من اینجا به صراحت اعلام می کنم که اولاً هیئت اجرایی نمی توانسته است هیچ چیزی را دال بر عدم فعالیت انتشاراتی مستقل کمیته های مناطق تصویب کند. مهم ترین شاهد من بر این ادعا جزوه ها و اعلامیه های متعددی است که با امضای کمیته های مناطق تهران و غرب منتشر شده است. این که این انتشارات به صورت اعلامیه و جزوه انجام گیرند یا به شکل نشریه و سایت هیچ تغییری در این واقعیت نمی دهد که اساسنامه مصوب کمیته فعالیت انتشاراتی مستقل را برای کمیته های مناطق به رسمیت شناخته است. ثانیاً حتی اگر هیئت اجرایی تصویب کرده باشد که تا زمانی که نشریه سراسری کمیته منتشر نشود، کمیته های مناطق حق ندارند سایت ایجاد کنند یا نشریه منتشر کنند تصمیمی غیر اساسنامه ای گرفته است که کمیته های مناطق، دقیقاً با اتکا به اساسنامه، حتی در آن زمان- چه رسد به اکنون- ملزم به رعایت آن نبوده اند. اساساً این استدلال بر کدام منطق مبتنی است که چون فلان کار در سطح سراسری نمی تواند انجام شود پس در سطح منطقه هم نباید انجام شود؟ این استدلال فقط در یک صورت می تواند توجیه منطقی داشته باشد و آن این است که رویکردها و اهداف در سطح سراسری و در سطح منطقه از دوسنخ متفاوت- اگر نگوییم متضاد- نباشند. در این صورت، یعنی در صورت هماهنگی و همگونی رویکردها و اهداف در سطح منطقه و سطح سراسری، این انتظار از سطح منطقه طبیعی و منطقی است که به جای انتشار نشریه در سطح منطقه ابتدا به انتشار نشریه سراسری کمک کند. اما اگر کمیته منطقه رویکرد و هدف خود را از سنخ رویکرد و هدف سراسری نداند آیا باز هم می توان گفت که کمیته منطقه ابتدا باید به انتشار نشریه سراسری کمک کند و فقط پس از آن مجاز است نشریه منطقه را منتشر کند. به آنچه در "محکومیت نامه" فوق آمده دقت کنیم تا مسئله روشن تر شود. به ادعای نویسندگان یا نویسندگان این "محکومیت نامه"، در یکی از جلسات هیئت اجرایی از "یکی از اعضای کمیته منطقه تهران" (که لابد بحث انتشار نشریه منطقه را مطرح کرده بوده) سوال شده که "آیا شما توانایی مالی و ارائه مقالات و متون مختلف را برای انتشار یک نشریه دارید؟" پس از پاسخ مثبت آن عضو به این سوال، از او پرسیده می شود "پس چرا این توانایی را در اختیار تمامیت کمیته هماهنگی برای انتشار ارگانی سراسری... قرار نمی دهید؟" و بعد اضافه شده که "پاسخ قابل قبولی از جانب ایشان دریافت نشد". جای تعجب است که کسی یا کسانی که این پرسش و پاسخ را در حد این جزئیات نقل کرده اند همین که به پاسخ آخر آن عضو رسیده اند فقط به ذکر این نکته اکتفا کرده اند که پاسخ ایشان غیر قابل قبول بود. ای کاش همان پاسخ غیر قابل قبول نقل می شد. از کسی یا کسانی که جزئیات این پرسش و پاسخ را تا به این حد به یاد دارند بعید است که پاسخ آخر آن عضو کمیته تهران را از یاد برده باشند. متأسفانه من جزئیات این پرسش و پاسخ را به یاد ندارم. اما می توان به صورت جلسه آن جلسه خاص رجوع کرد و پاسخ آن عضو را بیرون کشید. اما آن پاسخ هر چه بوده باشد، بیراه نرفته ایم اگر بر اساس بروز تدریجی اختلافات درونی کمیته هماهنگی بگوییم که پاسخ آن عضو- حتی اگر نتوانسته باشد به صراحت آن را بیان کند- چه بسا این بوده باشد که: "با توجه به این که شما رویکرد و هدف من (و به طور کلی اکثریت فعالان کمیته تهران) را قبول ندارید قاعدتاً نباید از من انتظار داشته باشید که در کنار شما قرار بگیرم و همراه با شما نشریه سراسری منتشر کنم. آیا این انتظار شما بدین معنی نیست که من (و به طور کلی اکثریت فعالان کمیته تهران) به عنوان فعال ضد سرمایه داری کمیته در انتشار نشریه ای سراسری شرکت کنم که قرار است مواضع رفرمیستی شما را

تبلیغ و ترویج کند؟ در این صورت تکلیف من چیست که این مواضع را قبول ندارم؟ آیا باید به دلیل در اقلیت بودن در هیئت اجرایی روی دیدگاه های خود پا بگذارم و به جای دیدگاه های خود مواضع شما را تبلیغ و ترویج کنم؟ آیا در مکتب و مرام شما معنای دمکراسی چنین است؟ آیا اگر من بر دیدگاه های خود- که همان دیدگاه های مصوب کمیته هماهنگی است- پای فشردم و آنها را تبلیغ و ترویج کردم، مرتکب عمل "زشت"، "غیردمکراتیک"، "تشتت برانگیز" و "انحلال طلبانه" شده ام؟"

درثانی، مگر شما مدعی نیستید که علاوه بر اکثریت هیئت اجرایی، اکثریت کمیته هماهنگی را نیز تشکیل می دهید؟ این چگونه اکثریتی است که خود نمی تواند نشریه سراسری منتشر کند و برای این کار به اقلیت آویزان می شود؟ از دو حال خارج نیست: یا شما اکثریت نیستید یا اکثریت هستید اما یک اکثریت بدرنخور! اکثریتی که نتواند بدون کمک اقلیت نشریه سراسری منتشر کند به چه درد می خورد؟! نشریه سراسری پیش کش! بگذارید همین جا برای نشان دادن ماهیت شما به کارگران بگویم که همین سایت کمیته هماهنگی راهم همان به اصطلاح اقلیت درست کرد و راه انداخت و شمای به اصطلاح اکثریت حتی بابت هزینه آن تا کنون یک ریال هم نپرداخته اید.

گفته شده که مگر اطلاعیه های کمیته تهران تا کنون در سایت انعکاس داده نشده؟ پس چرا این کمیته اقدام به ایجاد سایت مستقل کرده است؟ اولاً همه مطالب ارسالی و دیدگاه های فعالان ضدسرمایه داری در سایت منعکس نشده است. برای مثال، من دو فایل صوتی- تصویری از دوسخنرانی خود در دانشکده پلی تکنیک و دانشگاه تهران را برای مسئول سایت فرستادم اما ایشان به بهانه حجم زیاد آنها از درجشان در سایت سرباز زد. این درحالی بود که ایشان یک فایل صوتی پر حجم از یک میزگرد کارگری رابا شرکت کسانی در سایت درج کرده بود که بعضی از آنان حتی عضو کمیته هماهنگی هم نبوده و نیستند. نمی دانم چرا اگر ظرفیت سایت محدود است این محدودیت باید فقط نصیب فایل های ارسالی من می شد؟ علاوه بر این، من تا کنون از دو تن دیگر از فعالان ضدسرمایه داری شنیده ام که مطالب ارسالی آنها در سایت منتشر نشده است. بهتر است این دوستان جزئیات مسئله را خود بیان کنند. ثانیاً اگر فعالان ضدسرمایه داری کمیته تهران بر این باور باشند که سایت کمیته مدت ها است که دیگر اساساً یک سایت کارگری نیست و به هیچ یک از راهکارهای مصوب کمیته برای رسیدن به هدفش حتی نزدیک هم نشده تکلیفشان چیست؟ آیا اصولاً آنها این حق را دارند که طبق اساسنامه سایت موردنظرشان را ایجاد کنند یا نه و فقط باید به ارسال اطلاعیه های "محکوم می کنیم" (آن هم به شدت!) برای سایت کمیته اکتفا کنند؟

مطرح شده که برای راه اندازی سایت کمیته تهران از تمام اعضای کمیته تهران نظر خواهی نشده است. می پرسم مگر شما برای انتشار همین "محکومیت نامه" با امضای "کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری از تمام اعضای کمیته نظر خواهی کرده اید؟ اصولاً و طبق اساسنامه همان گونه که هیئت اجرایی مرکزی کمیته هماهنگی به نام کل کمیته هماهنگی موضع می گیرد و عمل می کند (ضمن حفظ حق انتقاد به این موضع و عمل برای تمام اعضا) هیئت اجرایی مناطق نیز به نام کل کمیته منطقه موضع می گیرد و عمل می کند. لازم به توضیح است که از نام هایی که در زیر این "محکومیت نامه" آمده دو نفر عضو کمیته تهران هستند اما هیچ کدام عضو هیئت اجرایی این کمیته نیستند: یکی اساساً برای انتخابات کاندیدا نشد و دیگری نیز رای لازم را حتی برای عضویت علی البدل به دست نیاورد. ممکن است گفته شود که صدور اطلاعیه هایی از نوع "محکومیت نامه" فوق الذکر نیاز به نظر خواهی از تمام اعضا

ندارد اما ایجاد سایت امر مهمی است که باید برای آن نظرخواهی شود. در پاسخ باید گفت که اولاً اساسنامه به صراحت انتشار نشریه (و طبعاً ایجاد سایت) را از اختیارات هیئت اجرایی منطقه دانسته است. ثانیاً، آیا ایجاد سایت منطقه از پیوستن کمیته هماهنگی به "شورای همکاری تشکل ها و فعالین کارگری" مهم تر است؟ مگر شما برای پیوستن به این "شورا" از تمام اعضای کمیته هماهنگی نظرخواهی کردید؟

اما "شاه بیت" این "محکومیت نامه" و آنچه که همچون داغ لعنت و رسوایی بر پیشانی نویسندگان آن باقی خواهد ماند توصیه سانسور و حذف سایت کمیته هماهنگی (منطقه تهران) به "کلیه مسئولین سایت های اینترنتی است. دقت کنید: "...به کلیه مسئولین سایت های اینترنتی اعلام می کنیم در جهت پافشاری بردمکراسی کارگری و منزوی کردن تحرکاتی که به همبستگی کارگری خدشه وارد می کند، از قرارداد سایت مذکور در لینک های خود خودداری کنند". قطع نظر از این که منظور نویسنده یا نویسندگان این سند رسوایی از "کلیه مسئولین سایت های اینترنتی" همان سردمداران فرقه های معلوم الحال است، و صرف نظر از این که سایت کمیته هماهنگی (منطقه تهران) اساساً نیازی به "لینک" شدن با این فرقه ها ندارد، با این همه، نویسندگان این سند با توصیه سانسور و حذف سایت کمیته تهران خود را در ردیف فیلترکنندگان سایت ها و سانسورچی های جمهوری اسلامی قرار داده اند.

اما، کلام آخر این که اگر سکوت در برابر وارونه پردازی حقایق در این "محکومیت نامه" به مجوزی برای حقانیت این وارونه پردازی تعبیر نمی شد، کلامی در پاسخ آن نمی نوشتم. از سوی دیگر، برای اعلام همین نکته که از نظر من بحث با این افراد امری خاتمه یافته است و از این پس کلامی در پاسخ ژاژخایی آنان نخواهم نوشت باید بالاخره این چند صفحه را می نوشتم. همین.

محسن حکیمی

۱۳۸۶/۱۲/۸